



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۶/۱۸

دودیال

هنر، زیبایی و رموزات هنر و زیبایی

(قسمت سوم)

در قسمت دوم این سلسله ی مقالات گفته شد که آثار و تخلیقات هنری جز مهم فرهنگ انسانی است. شهرت و مقام شامخ بعضی آثار، آبدات، نقاشی ها، اشعار، ناولها، خطاطی و پارچه های موسیقی آنقدر معروف شده اند که حیثیت داشته های مشترک بشریت را تشکیل داده اند(مثالهای آنها نیز داده شده بود). ازینکه در قسمت دوم که فوقاً اشاره شد، تخلیقات هنری جز مهم فرهنگ قلمداد شد، بهتر است روی مسایل فرهنگی بحث مختصری داشته باشیم. البته موضوع فرهنگ خیلی وسیع است، هدف مقالات حاضر، متمرکز بر هنر و زیبایی و رموزات آنهاست. خصوصاً که بیم سقوط ذوق عامه و محدودیت تنوع و رشد فرهنگی موجود باشد، اهمیت موضوع دوچندان میگردد. وضعیت کشور متأسفانه نشان میدهد که بعضی ارزشهای هنری و فرهنگی نه تنها در حال رشد و شکوفایی نیستند، بلکه خدای ناخواسته در حال فراموشی و انهدام قرار دارند. بهانه های برای محدودیت ان وضع میشوند، و تأسف انگیز اینکه این بهانه ها توسط بعضی جوانان بی هوش در دست حاکمان افراطی - متحجر قرار میگیرد، که مثال آنرا تدویر(کنسرتها) در خارج از کشور بامحتوای پوچ، لباس و حرکات میتدل و صحنه سازی مضحک تذکر دادیم. تدویر این چنین کنسرتها که به جز از رسوایی چیزی دیگری نیستند، در تعالی هنر و فرهنگ نیز رول ندارند- بالمقابل؛ مثالهای شایسته ی نیز داده شد. پس فرهنگ وزمینة وشرایط رشد و شکوفایی ان کدامها اند؟

فرهنگ تمام ارزشهای متعالی را دبر میگیرد مانند، تعلیم، شعر وادب، مهمان نوازی، احترام به بزرگان، لباس، رسوم شادی ها و ماتم ها و امثالهم. عناصر مادی و معنوی فرهنگ از نسلی به نسلهای بعدی به میراث مانده، انکشاف نموده و جنبه های نادرست ان به مرور زمان اصلاح گردیده و منحیت میراث اجدادی مورد احترام و رعایت است. فرهنگ مجموعه ی از اجزا و عناصر باهم بافته و باهم پیوسته یی از شیوه های رسمیت یافته تفکرات، احساسات، ارزشها، احساسات، عملها و عکس العملها است که از طرف مردمان یک کشور، گروهی از مردم یک خطه، افراد با هم نزدیک و باشنده گان یک جغرافیه ی معین به ارث گرفته شده، بین آنها ارزش قبول شده عاطفی و عملی مشترک شمرده میشود و توسط همین مجموعه یی فرهنگی که سمبول وحدت، افتخار و امتیاز عینی شان است به نسلهای بعدی آموزش داده میشود. اکثریت ارزشهای فرهنگی ملی و بعضی جهانشمولند.

فرهنگ جداً با فعالیتهای روزمره و زنده گی انسانی رابطه دارد. تمام اجزا و عناصر فرهنگ یک جامعه در قوانین، کودهای قبول شده، مراسم محلی- عنعنوی و دینی، تشریفات یومیه، وسایل زیست و کار، مجموعه ی حقوقی و نظام شان رسمیت یافته و مورد رعایت و احترام اند.

فرهنگ متعالی در یک جامعه خصوصیت جمعی دارد، دارای سرشت و جوهر جمعی آن جامعه است. انکار کرده نمی توانیم که در عین جامعه تفاوتی فرهنگی به مشاهده برسد، مثلاً فرهنگ طبقات محروم و مردم عادی با بعضی عناصر فرهنگ طبقات ممتاز و خواص شاید متفاوت باشد. همچنان تفاوت در فرهنگ شهری و دهاتی عین جامعه قابل مشاهده است. این تفاوتها جزئی، قابل تحمل و مورد اغماض همگانی اند. اما تفاوتی که برای اکثریت مطلق قابل قبول نباشد، تحمل آنها دشوار و با عث بروز مخالفت و عکس العمل میگردد(به مثالهای آن در قسمت اول مقاله اشاره شد).

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

جنبه ی غیر قابل دید فرهنگ در خصوصیت قابل یاد گیری آن و جز عادت شدن نسل نو بوده که از نسل قبلی به میراث برده، آموخته و از آنان دیده اند. یعنی خصوصیت انتقال ارزشهای فرهنگی جینتیک کی نه، بلکه کسبی و میراثی است. تمام افراد جامعه انرا بشکل (یونیفورم) می آموزند و برای آنها احترام قابل میشوند. پس خیلی مهم است تا در پروسه ی انتقال، آموزش و کسب آن طور مداوم به جنبه ی زیبایی، معقولیت، مبرمیت و وفق پذیری باشرايط نوین توجه داشت، بدون آنکه تلاش های تکاملی و اصلاحی و وفق پذیری آنها حساسیت منفی را بار آورد. شیوه ی آموزش و انتقال آن باید محتوی فضیلت و اخلاقی بودن را دارا باشد.

متاسفانه جنگهای طولانی، انقطاع نسلی، اثرات تخلیوی حوادث ناگوار اجتماعی، طبیعی و فقر و مهاجرت بیشتر از سایر جنبه ها به جنبه ی اخلاقی و فضیلت عقلی و سازش پذیری با شرایط معاصر تاثیر منفی وارد نمود. این تاثیرات در آثار هنری و ذوق زیبا پسندی نیز نمایان است. امروزه ایجاد و تخلیق هنری و درک زیبایی در حد نازل قرار دارد. حالت مایوس کننده ان است که تا حال کمتر متوجه این جنبه ی از حیات معنوی جامعه ی خود شده ایم. پرورش ذوق عامه، تربیت احساس زیبایی پسندی، زدودن خشونت و ایجاد زیبایی و پالایش زیبایی رسالت افراد آگاه جامعه است. باید جامعه را از سقوط به لجن ابتذال طور مبتکرانه و سنجیده شده برحذر داشت. این تعهد و رسالت مربوط به فهم و تدبیر قشر منور جامعه است. قشر منور باید بتواند فضیلت اخلاقی و عقلی را با درک عواطف افراد جاگزین سقوط فضایل محموده سازد.

ادامه دارد.